

مطالعه کیفی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا A qualitative study of teachers' perceptions of barriers to effective education in rural areas

Ali Shakoori*

Associate Professor, Department of Social Planning and Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. shakoori@ut.ac.ir

Seyyed Mehdi Sarkeshikiyan

PhD Student in Educational Psychology, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Social Sciences, Roodehen Azad University, Roodehen, Iran.

Zahra Raji

PhD Student in Social Welfare, Department of Social Planning and Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

علی شکوری (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه آموزشی برنامه ریزی و توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سید مهدی سرکشکیان

دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد رودهن، رودهن، ایران.

زهرا راجی

دانشجوی دکتری تخصصی رفاه اجتماعی، گروه برنامه ریزی و توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

Education and learning have a special place as an important part of the development and identity of each person. Therefore, it is necessary to pay attention to this category and the obstacles to its realization in different situations with a special educational structure such as villages. The purpose of this study was to qualitatively study teachers' perceptions of barriers to effective education in rural areas. The present study applied qualitative and content analysis and used Brown and Clark's (2006) theme analysis technique. The statistical population of teachers in Qom province was in 1400 who had a history of serving in the village. Using the purposive sampling method, 24 teachers were selected. The data collection tool was semi-structured interviews that included questions about barriers to effective education in rural areas. The results showed that the barriers to effective education in rural areas can be examined from the perspective of teachers in 6 areas: 1) infrastructure problems and barriers 2) family barriers 3) intra-personal barriers 4) teacher barriers 5) situational barriers 6) economic barriers. Teachers have also come up with solutions to these problems, which are referred to as preventative components of problems and remedial factors. It can be concluded that the barriers to effective education in rural areas can be discussed and planned from the perspective of teachers from the various angles mentioned in the results. From this point of view, more attention to the issue of education and learning in rural areas is very important.

Keywords: Perception of teachers, education in the rural, theme analysis, barriers to education in the rural, rural teachers.

چکیده

تحصیل و یادگیری به عنوان بخش مهمی از پیشرفت و هویت هر فرد از جایگاه ویژه برخوردار است. از این رو توجه به این مقوله و موانع تحقق آن در موقعیت‌های متفاوت و دارای ساختار ویژه آموزشی مانند روستاها ضروری است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه کیفی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستاها بود. پژوهش حاضر کاربردی و از نوع کیفی و تحلیل محتوا بود و از تکنیک تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد. جامعه آماری معلمان استان قم در سال ۱۴۰۰ بودند که سابقه خدمت در روستا را داشته‌اند. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند ۲۴ معلم انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود که حاوی سوالات مربوط به موانع تحصیل اثربخش در روستاها بود. نتایج نشان داد که موانع تحصیل اثربخش در روستاها از منظر معلمان در ۶ حوزه قابل بررسی است: ۱) مشکلات و موانع زیر ساختی ۲) موانع خانوادگی ۳) موانع درون شخصی ۴) موانع آموزگار ۵) موانع موقعیتی ۶) موانع اقتصادی. همچنین معلمان برای برون‌رفت از این مشکلات راه کارهایی را ارائه داده‌اند که از آن تحت عنوان مولفه‌های پیشگیرانه مشکلات و عوامل ترمیم کننده یاد شده است. می‌توان نتیجه گرفت موانع تحصیل اثربخش در روستا از منظر معلمان از زوایای گوناگون که در نتایج به آن اشاره شده است قابل بحث و برنامه ریزی است. از این رون توجه بیشتر به مقوله آموزش و یادگیری در روستاها از اهمیت زیادی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: ادراک معلمان، تعلیم و تربیت در روستا، تحلیل مضمون، موانع تحصیل در روستا، معلمان روستایی

ویرایش نهایی: شهریور ۱۴۰۱

پذیرش: تیر ۱۴۰۱

دریافت: اردیبهشت ۱۴۰۱

نوع مقاله: کیفی

مقدمه

از جمله مسائل مرتبط با بحث آموزش و یادگیری پرداختن به علل ضعف و یا موانع رشد سیستم‌های مرتبط با تعلیم و تربیت در موقعیت‌های گوناگون جغرافیایی و فرهنگی است. موانع تحصیلی در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان می‌توانند راه را برای

ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر و آموزش عالی به عنوان یکی از کلیدهای توسعه جوامع تحت تاثیر قرار دهند. موانع تحصیلی می‌توانند از عوامل اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و انواع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها نشأت بگیرند (کوهان و کومار، ۲۰۲۲). موانع فرهنگی منشعب از جوامع چون تقبیح ادامه تحصیل دختران، تقبیح تدریس توسط جنس مخالف و تقدیس کار خانگی برای زنان و ادراک نه چندان مثبت جامعه محلی نسبت به تحصیل از مسائل نام‌آشنای حوزه تحصیل در روستاها هستند (برنسن و همکاران، ۲۰۲۲). نابرابری‌ها در حوزه جنسیتی، نژادی و قومی و دسترسی‌ها بر عملکرد دانش‌آموزان روستایی اثربخش‌اند. شکاف دیجیتال تحصیل اثربخش دانش‌آموزان روستایی نسبت به هم‌تابان شهری را تنزل می‌دهد. بهره‌وری از نوآوری‌های آموزشی الکترونیکی به تفهیم هرچه بهتر مباحث درسی از سوی آموزگاران، یادگیری سریع دانش‌آموزان و افزایش ظرفیت یادگیری می‌انجامد این در حالی است که دانش‌آموزان در برخی از مناطق چون مناطق روستایی از دسترسی به این نوآوری‌ها و امکانات محروم‌اند (کروموز و ویسدوم، ۲۰۲۲). بگوم و همکاران^۴ (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان داده‌اند عملکرد ضعیف دانش‌آموزان روستایی در قیاس با هم‌تابان شهری خود تحت تاثیر عوامل متعددی چون فقر، نابرابری‌های جنسیتی، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، موانع زبانی و دوری جغرافیایی قرار گرفته است. ناهماهنگی میان نیازهای جامعه محلی با سیاست‌های کلان دولتی نیز از موانع بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان روستایی قلمداد شده است.

جاستس^۵ (۲۰۱۵) نشان داد بیماری سرپرست‌ها، فوت یکی از سرپرست‌ها، مسایل خانوادگی، امراض کودکان، عدم بینش خانوارها از ضرورت کسب دانش، مشکلات مالی خانواده علل عمده موانع تحصیل موثر هستند. نایرن و هایگین^۶ (۲۰۱۵) در پژوهش خود در مورد هویت جوانان روستایی نیوزلند به دنبال یافتن پاسخ این سوال بود که آیا جوانان پس از تمام کردن مدرسه به دنبال تحصیل و حرفه تخصصی در جای دیگری هستند یا نه؟ نتایج نشان داد هدف بسیاری از جوانان فقط ترک مدرسه بود. دل^۷ (۲۰۱۳) نشان داد مولفه‌های مربوط به مدرسه مثل عدم علاقه به مدرسه، ناسازگاری، و عدم همراهی اثربخش با معلم، مولفه‌های مربوط به خانواده مثل مراقبت از یک از اعضا و مولفه‌های مرتبط با کسب و کار مثل فقدان هماهنگی مدیریت کار و تحصیل از موانع عمده تحصیل است. مویو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان آثار ارزش‌های فرهنگی بر تحصیل دختران روستایی در زامبیا نشان داده‌اند هنجارها و ارزش‌های فرهنگی بسیاری تحصیلات دختران روستایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. محققان در این پژوهش نشان داده‌اند باورها و ارزش‌های فرهنگی چون ترجیح نقش خانه‌داری و مادری زنان ارتباط تنگاتنگی با منع زنان و دختران از تحصیل به خصوص در مقاطع بالای تحصیلی دارد. در این راستا مولل و چانگ^۸ (۲۰۱۷) نیز تاثیر به‌سزای ارزش‌های فرهنگی چون کار خانگی دختران بر غیبت ایشان در مدارس و کوتاهی سال‌های اشتغال به تحصیل نسبت به هم‌تابان پسر خود اشاره کرده‌اند. محققان اذعان کرده‌اند ارزش‌های فرهنگی بر کاهش انگیزه دختران برای تحصیل اثرگذار است که خود بر ترک خودخواسته مدرسه یا ناشی از فشارهای گروه اجتماعی و فرهنگی تاثیر می‌گذارد. ساینگ^۹ (۲۰۲۰) علاوه بر آنکه ازدواج زودهنگام دختران و باورهای فرهنگی را در ضعف عملکرد آموزشی دختران روستایی موثر می‌داند به سیستم غیرمنعطف آموزش در رابطه با نیازهای خاص دختران و زنان روستایی اشاره کرده است. سرمایه‌گذاری اندک در آموزش مضاف بر فقر خانوار روستایی و ناتوانی در سرمایه‌گذاری خانواده‌ها در حوزه آموزش از دیگر دلایل ضعف عملکرد دانش‌آموزان روستایی در قیاس با هم‌تابان شهری است (ماری بت، ۲۰۱۵).

لزوم مهاجرت از روستا به شهر برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و آموزش عالی خود یکی از موانع ادامه تحصیل دانش‌آموزان روستایی قلمداد می‌شود. سرکوب عزت نفس دانش‌آموزان و دانشجویان بومی مهاجرت کرده به شهر از سوی سایرین نیز خود به کاهش انگیزه دانش‌آموزان روستایی برای ادامه تحصیل منجر می‌شود (جانسون و لویتان، ۲۰۲۱). تنش‌های موجود میان والدین و دانش‌آموزان که غالباً در ارتباط با حفظ ارزش‌های فرهنگی کهن جوامع بروز می‌یابند از چالش‌های دانش‌آموزان روستایی در ارتباط تحصیل اثربخش‌اند (اسکات

1 Chauhan & Kumar

2 Bernsen et al

3 Kormos, E., & Wisdom

4 Begum et al

5 Justus

6 Nairn, & Higgins

7 Doll

8 Mollel & Chong

9 Singh

10 Johnson & Levitan

و لویی^۱، ۲۰۲۰). علاوه بر ضعف در دسترسی ضعف در زیر ساخت‌های آموزشی و توزیع نامتناسب مدارس در روستاها بر غیبت دانش‌آموزان روستایی در مدارس منجر می‌شوند(سوامیناتان و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

در این میان ادراک معلمان از موانع تحصیل روستایی به عنوان افرادی که از نزدیک مسائل تعلیم و تربیت روستا را تجربه کرده‌اند از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌توان از نظرات آنها برای کاهش چالش‌های تحصیل روستایی بهره برد. به عنوان مثال پلیسیس و مستری^۳ (۲۰۱۹) نشان دادند ناتوانی دانش‌آموزان در مشارکت اثربخش در طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی، وجود فقر میان خانواده‌ها، پایین بودن میزان تمایل آموزگاران با تجربه برای تدریس در مناطق روستایی، کاهش عملکرد معلمان به دلیل چندپایه بودن کلاس‌ها، غیبت مکرر دانش‌آموزان در کلاس‌های درس به علت ناهمواری مسیرهای روستایی و عدم دسترسی آسان به وسایل نقلیه و زیرساخت‌های ضعیف از جمله موانع تحصیل اثربخش دانش‌آموزان روستایی در منطقه جنوب آفریقا از دیدگاه آموزگاران بوده است. پرکینس و همکاران^۴ (۲۰۲۱) نشان دادند معضلات پیش‌روی دسترسی آسان دانش‌آموزان به تحصیل اثربخش و نبود همکاری و تعامل مناسب بخشی از موانع حمایت تحصیل روستایی از سلامت روان در دانش‌آموزان دانسته شده است. مورتون و همکاران^۵ (۲۰۱۸) نشان دادند عدم دسترسی به منابع آموزشی از جمله موانع شایان توجه در راستای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان روستایی است که با خود استرس تحصیلی، کاهش کارآمدی تحصیلی و کاهش خودباوری را به همراه دارد. پترسون^۶ (۲۰۲۰) نیز نشان داد عدم دسترسی آسان به مدارس می‌تواند به دلیل زیرساخت‌های نامساعد یا عوامل غیرفیزیکی در مناطق روستایی دیده شود. این مسئله حضور و تمایل افراد در آموزش عالی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین زمینه‌های ارزشی و فرهنگی چون ضعف نظارت والدین، ارجح شمردن خانه‌داری دختران نسبت به تحصیل، تابوی وجود معلمان مرد و ترس از مخاطرات از عوامل ادامه تحصیل دانش‌آموزان اند(شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹).

مسائل مرتبط با تعلیم و تربیت دارای ابعاد متفاوتی است. پژوهشگران این حوزه و محققان مطالعات بین‌رشته‌ای از زوایا جزئی و گوناگون به این مهم پرداخته‌اند. از سوی دیگر مشکلات مرتبط با تعلیم تربیت از آنجا شدت پیدا می‌کند که اگر نتوان تحلیل واقعی از این مشکلات به تصویر کشید تبعات روانی-تربیتی-اجتماعی آن ناخواسته دانش‌آموزان و فراگیران بسیاری را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد سهم آموزش در رشد و تعالی افراد، جامعه‌پذیری، افزایش خلاقیت، دستیابی به شغل و هویت شغلی و تامین معاش خانواده در آینده چه در جغرافیای شهری و چه در بسترهای روستایی آنقدر با اهمیت می‌باشد که بتوان از آن به عنوان سنجی برای شکوفایی یک جامعه و کاهش مشکلات فرهنگی و اجتماعی از جمله بزهکاری، معضلات روانشناختی و مهاجرت به خصوص از روستاها به شهرها به کار برد که این خود باعث جذب شدن پژوهشگران به مطالعه روند‌های آموزشی به خصوص در فرهنگ‌های کوچکی مانند روستاها می‌گردد. قاطعانه می‌توان گفت که نتایج بررسی‌های بین‌رشته‌ای و استفاده از تجارب افراد و کسانی که به شکل جدی و از نزدیک با معضلات تحصیل روستایی مانند معلمان روبه‌رو هستند می‌تواند گام‌های ارزشمندی جهت تعیین افق‌های روشن‌تر و واقع‌بینانه‌تر جهت برنامه‌ریزی‌های آموزشی و اجتماعی تعلیم و تربیت باشد و از سوی دیگر خود این نتایج نیز هادی و راهنمایی تصمیم‌گیری‌های مهم و تقویت پیشینه مفهومی و تجربی باشد. سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اجتماعی در حوزه یادگیری می‌بایست نتیجه تحقیقات اصیل و واقعی و بدون سوگیری در موقعیت‌های گوناگون جغرافیایی و فرهنگی باشد. مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری به لحاظ برخورداری و یا بررسی‌های همه‌جانبه مسائل تربیتی ممکن است دچار ضعف‌های اجرایی و ساختاری باشد از این جهت پژوهش‌های دارای روال منطقی می‌تواند تا حدودی در کاهش این ضعف‌ها موثر باشد. پژوهش حاضر هم به مانند سایر تحقیقات ارزشمند دیگری که تا به حال انجام شده است می‌تواند تجارب معلمان را در حوزه موانع تحصیل روستایی در قالب یک مدل کلی به نمایش گذارد و به سیاست‌گذاری تربیتی و آموزشی یاری رساند. نوآوری تحقیق حاضر از آن جهت قابل‌تأمل است که با جست‌جویی که توسط پژوهشگران تحقیق صورت گرفته، پژوهشی که به شکل کلی و یکپارچه به این موضوع پرداخته باشد یافت نشده است. یافته‌های حاصل از پژوهش می‌تواند در نیازسنجی، هدف‌گزینی، تخصیص منابع، طراحی، اجرا و ارزشیابی مسائل آموزش روستایی کاربرد مستقیم و غیر مستقیم داشته باشد.

1 Scott & Louie

2 Swaminathan et al

3 Plessis & Mestry

4 Perkins et al

5 Morton et al

6 Peterson

A qualitative study of teachers' perceptions of barriers to effective education in rural areas

بر این مبنا سوال پژوهش حاضر این است ادراک معلمان روستاهای استان قم از موانع تحصیل اثربخش چه می باشد؟ همسو با سوال تحقیق هدف پژوهش استخراج مضامین مرتبط با ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا می باشد.

روش

این تحقیق از منظر هدف کاربردی و از نوع کیفی بود و از تکنیک تحلیل تماتیک^۱ بهره گرفته شد. تحلیل مضمون شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد. مضمون یا تم عنصر کلیدی در این روش است. مضمون‌ها پر ارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مدنظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. در این روش مقولات از طریق ارزیابی و بازخوانی داده‌ها مشخص می‌شوند. این فرآیند شامل بررسی و رفت و برگشت مداوم میان مجموعه داده‌ها، مفاهیم، مقولات و تجزیه و تحلیل آنهاست (براون و کلارک^۲، ۲۰۱۹). جامعه مورد مطالعه را معلمان استان قم در سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دهد که سابقه خدمت در روستاها را داشته‌اند. معیارهای ورود انتخاب معلمان عبارت‌اند از سکونت در استان قم، استخدام رسمی آموزش و پرورش، داشتن حداقل مدرک کارشناسی، داشتن سابقه خدمت در روستا به مدت حداقل ۱ سال و علاقمند بودن به شرکت در پژوهش و معیارهای خروج داشتن بیماری جسمی و یا روانشناختی حاد بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف^۳ ۲۴ معلم انتخاب شدند. زمان مصاحبه‌ها برای همه افراد یکسان نبود و بسته به شرایط هر فرد از ۴۵ دقیقه تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. گردآوری اطلاعات تا مرحله اشباع نظری پیش رفت و نکات جدیدی در مورد مفاهیم و مقولات پژوهش یافت نگردید. جلسات بین پژوهشگران و مصاحبه‌شونده به لحاظ زمانی و مکانی در محیطی آرام و مورد توافق بین طرفین برگزار شد. ملاحظات اخلاقی در پژوهش عبارت از رضایت آگاهانه از شرکت در پژوهش، رازداری و محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری از پژوهش، حفظ کرامت و احترام به شخصیت هر فرد و دوری از تبعیض بود.

در راستای ملاک‌های ارزشیابی پژوهش معیار اعتبار^۴ اینگونه به اثبات رسید که محققان بعد از مصاحبه با افراد به این نتیجه دست یافتند که اطلاعات جدیدی از مصاحبه‌ها به دست نمی‌آید. در رابطه با ملاک انتقال^۵ پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که اطلاعات یکدیگر را تأیید می‌کنند و تفاوتی بین اطلاعات به دست آمده مشاهده نشد. در رابطه با ملاک اعتماد یا ثبات^۶ با توجه به اینکه فرآیند کدگذاری توسط سه پژوهشگر مختلف انجام شد، مشابهت کدهای حاصل از یافته‌ها، نشانگر اعتماد یافته‌های پژوهش است. در رابطه با ملاک تایید^۷ با توجه به اینکه ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته است پژوهشگران، نظرات شخصی خویش را وارد گردآوری و تحلیل نکرده‌اند. و در رابطه با ملاک اصالت^۸، انجام کدگذاری توسط سه پژوهشگر مختلف گویای اصالت پژوهش است. در ادامه در جدول شماره ۱ به بررسی ویژگی‌های افراد شرکت‌کننده و نمونه پژوهش پرداخته شده است. در جدول شماره ۱ ویژگی‌های افراد شرکت‌کننده به تفکیک مشخص و گزارش شده است. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در پژوهش ۲۶ سال بود. کوچکترین فرد ۲۳ سال و بزرگترین فرد ۳۵ ساله بود.

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۳	۵۴/۲٪
	مرد	۱۱	۴۵/۸٪
	مجموع	۲۴	۱۰۰٪
وضعیت تاهل	مجرد	۸	۳۳/۳٪

1 Thematic analysis

2 Braun & Clarke

3 Purposive sampling

4 Credibility

5 Transferability

6 Dependability

7 Confirmability

8 Authentic

متاهل	۱۶	٪۶۶/۷	
مجموع	۲۴	٪۱۰۰	
تحصیلات	کارشناسی	۱۵	٪۶۲/۵
	کارشناسی ارشد	۹	٪۳۷/۵
	مجموع	۲۴	٪۱۰۰
سابقه کاری	بین ۱ تا ۲ سال	۷	٪۲۹/۲
	بین ۲ تا ۴ سال	۹	٪۳۷/۵
	بین ۴ تا ۶ سال	۵	٪۲۰/۸
	بیشتر از ۶ سال	۳	٪۱۲/۵
	مجموع	۲۴	٪۱۰۰
مقطع تدریس	ابتدایی	۱۴	٪۴۱/۷
	متوسطه	۱۰	٪۵۸/۳
	مجموع	۲۴	٪۱۰۰
سن	میانگین \pm انحراف معیار	کمترین	بیشترین
	۲۶/۸۸ \pm ۳/۱۸۸	۲۳	۳۵

ابزار سنجش

مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ (SSI): مصاحبه نیمه ساختار یافته یکی از معمول ترین انواع مصاحبه است که در تحقیقات کیفی مورد استفاده واقع می شود. این مصاحبه بین دو حد نهایی ساختاریافته و بدون ساختار قرار می گیرد که در آن از تمام پاسخگوها سوال های مشابهی پرسیده می شود، اما آنها آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی که مایلند ارائه دهند، در این مورد مسئولیت رمز گردانی پاسخ ها و طبقه بندی آنها بر عهده پژوهشگر است. برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده شد. سوالات مصاحبه با نظر صاحب نظران و مبتنی بر مبانی نظری شکل گرفته است. سوالات طراحی شده در مورد محتوای پژوهش با تایید صاحب نظران تکمیل، مرتب سازی و از افراد سوال شدند. سوالات پژوهش در مورد موانع تحصیل اثربخش، علل و زمینه سازهای به وجود آمو ن موانع تحصیل، بسترهای تقویت کننده موانع تحصیل، موانع رفع مشکلات تحصیل، و ... بود. در حین پژوهش برای داشتن اطلاعات دقیق تر سوالاتی اضافی با توجه به ساختار نظری و دیدگاه های صاحب نظران علاوه بر سوالات اصلی پرسیده شد. در پژوهش حاضر پس از مصاحبه با هر یک از معلمان متن مصاحبه ها پیاده و مفاهیم به دست آمده ناشی از تحلیل جز به جز و خطوط مصاحبه استخراج شد. سپس یافته های به دست آمده در قالب مضامین یا تم اصلی (سطح سوم) ، مضامین فرعی یا زیر تم ها (سطح دوم) و کدهای استخراجی (سطح اول) دسته بندی شدند. گاهی برای محاسبه پایایی تحقیقات کیفی از روش توافق درون موضوعی توسط دو کدگذار (ارزیاب) استفاده می شود. در هر کدام از مصاحبه ها، کدهایی که در نظر دو نفر مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهایی که غیرمشابه هستند با عنوان «عدم توافق» مشخص می شوند. در این محاسبه تعداد توافقات نشانگر کدهای مشترک و یکسان بین پژوهشگران است. تعداد کل کدها نیز مجموع کدهای استخراجی بین پژوهشگران است. در ادامه و در جدول شماره ۲ به بررسی پایایی توسط دو کدگذار پرداخته شده است.

جدول ۲: ارزیابی و محاسبه پایایی دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	نتیجه پایایی کدگذاران
۱	R۵	۱۸	۸	۸۸٪
۲	R۱۶	۱۵	۷	۹۳٪
۳	R۲۴	۱۴	۶	۸۵٪
کل		۴۷	۲۱	۹۷٪

A qualitative study of teachers' perceptions of barriers to effective education in rural areas

همان طور که در جدول شماره ۲ مشخص است تعداد کل کدها به دست آمده توسط پژوهشگران عبارت است از ۴۷ کد، تعداد کل توافقات بین این کدها برابر است با ۲۱ و تعداد کدهای که در آن پژوهشگران رای به عدم توافق داده اند ۲۶ کد است. پایایی بین کدگذاران در این پژوهش برابر با ۹۷٪ است با توجه به اینکه این میزان از پایایی از مقدار قابل قبول برای آن که ۶۰٪ بیش تر است (کوال، ۲۰۰۸) قابلیت اعتماد در کدگذاری به دست آمده توسط پژوهشگران مورد تایید است.

یافته ها

نتایج تحلیل مضمون مصاحبه ها در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است. مضامین یا تم اصلی (سطح سوم)، مضامین فرعی یا زیر تم (سطح دوم)، کدها (سطح اول) به تفکیک موضوعی گزارش شده است. در مجموع تعداد ۷۴ کد مضمون پایه یافت و گزارش می شود.

جدول ۳: سطوح مضامین بازدارنده و ترمیم کننده تحصیل روستایی از منظر معلمان

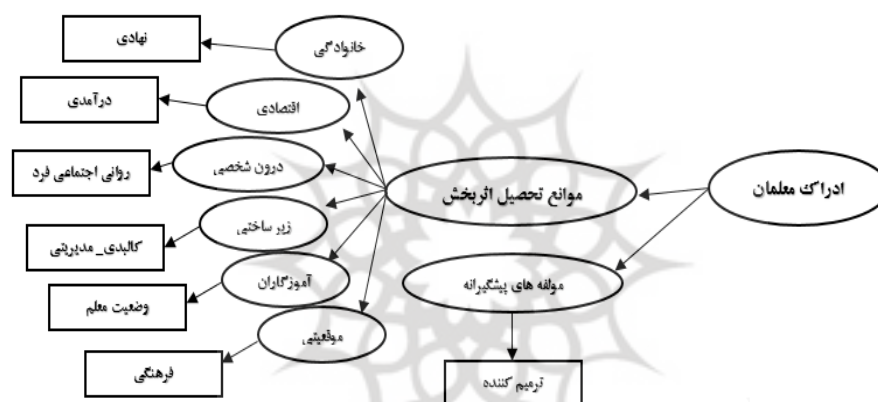
مضامین پایه یا تم اصلی (سطح سوم)	مضامین فرعی یا زیر تم (سطح دوم)	کدها (سطح اول)
مشکلات و موانع زیرساختی	عوامل کالبدی - مدیریتی	کمبود امکانات فیزیکی
		کمبود امکانات آموزشی
		مشکلات فنی مدارس
		فقدان بستر آموزش مناسب
		کمبود بوجه های آموزشی
		ساختمان نامناسب
		میز و نیمکت فرسوده
		فقدان وسایل پیشرفته (تکنولوژی) و زیر ساخت فناوری
		عدم رسیدگی کارآمد
		نابرابری آموزشی
		کلاس های چندپایه
		عدم امکانات لازم برای دسترسی به فضای مجازی
		کمبود وسایل آزمایشگاهی
		امکانات آموزشی در حد نیاز حداقلی
عدم امکانات برای دروس فنی		
عدم بهرمندی از امکانات شهری		
نبود مقاطع تحصیلی بالاتر		
ضعف در تامین وسایل و امکانات ورزشی		
رایج نبودن و عدم اولویت تحصیل در خانوارها	عوامل نهادی خانوار	دوری منازل نسبت به مدارس
بی سوادى والدین		
کم سوادى والدین		
مشکلات فرهنگی خانواده ها		
تعصبات قومی		
ناآگاهی والدین برای آموزش های پیش از ورود به مدرسه		
به روز نبودن خانواده ها		

عدم تغییر نگرش به ادامه تحصیل به خصوص دخترها اعتقاد به ازدواج زود هنگام نبود تقاضا و زمینه ارتقا سطح آموزشی در بین خانوارها		
عدم انگیزه برای تحصیل بی رغبتی برای ارتقای پایه تحصیلی بی میلی در مشارکت تحصیلی سختی تردد دانش آموز در فصل سرد رفتن به روستاهای مجاور	عوامل روانی-اجتماعی فرد محور	مشکلات و موانع درون شخصی
عدم تمایل معلمان با تجربه به حضور در روستا مشکلات رفت آمد معلمان کیفیت آموزش معلمان مشکلات تدریس در روستا معلمین بی تجربه دوری از مرکز شهر	عوامل مبتنی بر وضعیت معلم	مشکلات و موانع آموزگار
رخنه فرهنگ شهرنشینی منسوخ شدن آداب اصیل روستایی فقر فرهنگی تجمل گرایی چشم و هم چشمی تهاجم فرهنگی عدم پیشرفت فرهنگی تفکرات تعصب گونه در افراد روستا عدم انسجام فرهنگی عدم حفظ فرهنگ عدم تلاش ساکنین روستا برای ایجاد فضای آموزشی	عوامل وابسته به فرهنگ	مشکلات و موانع موقعیتی
ترک تحصیل برای امرار معاش تورم فقر نبود سرپرست فشارهای اقتصادی خانواده	عوامل درآمدی	مشکلات و موانع اقتصادی
جذب معلمان بانگیزه در روستا ترغیب یادگیری مشارکتی بحث گروهی آموزش های خارج از کتاب (مهارت های زندگی) تشویق های ارزشمند برای رشد تحصیلی گسترش جلسات اولیا و مربیان مشاوره برای دانش آموز و والدین تامین وسایل آموزشی تقویت نهضت سواد آموزی	عوامل ترمیم کننده	مولفه های پیشگیرانه مشکلات



تقویت سرویس رفت آمد برای تجمع دانش
آموزان یک پایه از روستاهای مختلف
کاهش کلاس های چند پایه
بهبود تاسیسات
تاسیس هنرستان
تقویت رشته های کشاورزی و دامپروری
تجهیز کتابخانه
همکاری پایگاه بسیج برای آموزش هنر
تقویت ارزش های روستا
افزایش مراسمات و اطلاع رسانی های آموزشی
ارتقای سطح معنوی

در ادامه یافته ها در قالب یک مدل مفهومی ارائه شده است. مدل و یافته ها در شکل شماره ۱ قابل رویت است.



شکل ۱: مدل نهایی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر در مورد واکاوی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا با استفاده از رهیافت تحلیل مضمون در پژوهش کیفی بود. نتایج نشان داد مشکلات و موانع زیرساختی، موقعیتی، خانوادگی، درون شخصی، آموزگار و اقتصادی موانع ادراک شده از سوی معلمان است که برای رفع آنها در قالب مولفه های پیشگیرانه مشکلات ایده های را ارائه کرده اند.

در حوزه موانع زیرساختی این یافته با نتایج مورتون و همکاران (۲۰۱۸)، پترسون (۲۰۲۰)، ماری بت (۲۰۱۵)، سوامیناتان و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت داشت. به عنوان مثال سوامیناتان و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند ضعف در زیر ساخت های آموزشی و توزیع نامتناسب مدارس در روستاها به غیبت دانش آموزان روستایی در مدارس منجر می شوند. مورتون و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند عدم دسترسی به منابع آموزشی از جمله موانع شایان توجه در راستای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان روستایی است. پترسون (۲۰۲۰) نشان داد عدم دسترسی آسان به مدارس می تواند به دلیل زیرساخت های نامساعد در مناطق روستایی باشد. این مسئله حضور و تمایل افراد در آموزش عالی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. ماری بت (۲۰۱۵) نشان داد غفلت سرمایه گذاران از امکانات رفاهی برای مدرسان مناطق روستایی از دیگر موانع تحصیل اثربخش روستایی است. زیر ساخت های و فضا های آموزشی به دلیل اهمیت روانی و بستری که دانش آموزان ساعات زیادی را در آن به عنوان محیط یادگیری می گذرانند نقش مهمی در گرایش و تمایل افراد به تحصیل و مدرسه دارند. محیط های یادگیری که در آن امکانات آموزشی، کیفیت کالبدی، شرایط آموزشی، سیاست های تعلیم و تربیتی و مبتنی بر

نیاز یادگیرنده و اهداف آنها طراحی شده و با کیفیت مناسب ارائه شود اشتیاق تحصیلی را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد و برعکس اگر این مولفه‌ها در یک محیط آموزشی رعایت نگردد تبعات آن در سیستم آموزشی کل و تحصیل دانش‌آموزان خود را نشان می‌دهد

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق مربوط به مشکلات و موانع خانوادگی است این یافته با نتایج تحقیق اسکات و لویی (۲۰۲۰)، مویو و همکاران (۲۰۲۰)، ساینگ (۲۰۲۰)، فرضی زاده (۱۳۹۶) مطابقت داشت. به عنوان مثال اسکات و لویی (۲۰۲۰) نشان دادند تنش‌های موجود میان والدین و دانش‌آموزان که غالباً در ارتباط با حفظ ارزش‌های فرهنگی کهن جوامع بروز می‌یابند از چالش‌های دانش‌آموزان روستایی در ارتباط با تحصیل اثربخش است. مویو و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند ترجیح نقش خانه‌داری و مادری زنان ارتباط تنگاتنگی با منع زنان و دختران از تحصیل به خصوص در مقاطع بالای تحصیلی دارد. سای (۲۰۲۰) در پژوهش خود ازدواج زودهنگام دختران و باورهای فرهنگی را در ضعف عملکرد آموزشی دختران روستایی موثر می‌داند به سیستم غیرمنعطف آموزش در رابطه با نیازهای خاص دختران و زنان روستایی اشاره کرده است. فرضی زاده (۱۳۹۶) نشان داد عدم باور والدین به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران، تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، گسترش شایعات مردم به سبب خروج دختران از منزل و تبعیض میان فرزند دختر و پسر از موانع تحصیل روستایی دختران است. محیط خانواده یکی مهم‌ترین و مرکزی‌ترین بسترها برای درونی‌شدن اهداف فردی و اجتماعی و ارتقای ارزش‌های موجود در آن است. محیط خانواده می‌تواند با به وجود آوردن بسترهای تسهیلگر از منظر بینشی و رفتاری و یا ایجاد مانع وابسته به همین مولفه‌ها زمینه‌ساز رشد و یا افول وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. در همین راستا وضعیت تحصیلی، نگرشی، ارزشی و فرهنگی خانواده‌ها در این بین و در تبیین وضعیت آموزشی دانش‌آموزان اهمیت خاص دارد که لازم است به آن توجه شود.

از یافته‌های دیگر این پژوهش موانع درون‌شخصی است. این یافته با نتایج تحقیقات اقدسی (۱۳۹۱)، جانسون و لویتان (۲۰۲۱)، کازایو و تیلور (۲۰۱۸) مطابقت داشت. به عنوان مثال جانسون و لویتان (۲۰۲۱) نشان دادند سرکوب عزت نفس دانش‌آموزان و دانشجویان بومی مهاجرت کرده به شهر از سوی سایرین نیز خود به کاهش انگیزه دانش‌آموزان روستایی برای ادامه تحصیل منجر می‌شود. کازایو و تیلور (۲۰۱۸) نشان دادند. هنجارهای اخلاقی در هر جامعه می‌توانند از عوامل تأثیرگذار بر تحصیل اثربخش باشند. این عوامل در بسیاری از مناطق چون آفریقای جنوبی به موانع تحصیل اثربخش برای دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان دختر بدل شده‌اند. اقدسی (۱۳۹۱) نشان داد اختلاف میانگین ترک تحصیل دانش‌آموزان براساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) برابر ۲۸/۱ است که نشانگر ترک تحصیل بیشتر دانش‌آموزان در محیط روستایی به محیط شهری می‌باشد. از جمله عوامل موثر در تحصیل اثربخش دانش‌آموزان مسایل روانشناختی از جمله انگیزه و رغبت آنها به تحصیل است. انگیزه به عنوان نیروی ایجادکننده، جهت‌دهنده و نگه‌دارنده قوای روانشناختی در مورد انعطاف‌پذیری با شرایط تحصیل است. عوامل مختلفی می‌توانند در انگیزه تحصیلی افراد موثر باشد که قسمتی از آن وابسته به باورهای فردی، تعاملات اجتماعی، موقعیت و شرایط زندگی، طبقه اقتصادی، برخورداری از امکانات و رفاه و... است. خلل و چالش در برآوردن نیازهای اولیه در مورد زندگی و تحصیل که می‌تواند سطوح مختلفی از متغیرهای دخیل در انگیزه را شامل گردد از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع تحصیل به خصوص در روستاها را شکل می‌دهد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر موانع موجود در آموزگاران و دبیران است. این یافته با نتایج پژوهش‌های هامر و همکاران (۲۰۰۵)، وستبروک و همکاران (۲۰۰۹)، ابرگ و بنگسون (۲۰۰۹)، پلسیس و مستری (۲۰۱۹) مطابقت داشت. به عنوان مثال پلسیس و مستری (۲۰۱۹) نشان دادند پایین بودن میزان تمایل آموزگاران با تجربه برای تدریس در مناطق روستایی، کاهش عملکرد معلمان به دلیل چند پایه بودن کلاس‌ها از موانع تحصیلی در روستاهاست. ابرگ و بنگسون (۲۰۰۹) نشان دادند معلمان که در روستا مشغول به آموزش و تدریس می‌باشند از لحاظ پداگوژیکی آموزش مناسب را دریافت نمی‌کنند. وستبروک و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که دخالت سران محلی باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای دانش‌آموزان دختر و معلمان زن شده است. هامر و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند عمده‌ترین مسله رو در روی مدارس روستایی استخدام و حفظ معلمان باتجربه و صاحب‌صلاحیت است. معلم معمولاً سنبل رفتارهای عالمانه و جامعه‌پسند برای دانش‌آموزان است. به هر مقدار که کیفیت آموزشی معلمان دستخوش تغییراتی گردد اثر آن متوجه تحصیل دانش‌آموزان خواهد شد. معلمان مناطق روستایی با مشکلات همچون رفت‌آمد به مراکز شهری دوری راه، کیفیت‌های ضمن خدمت پایین، نداشتن آمادگی‌ها از قبل برای تدریس در مناطق روستایی و محروم و... مواجه هستند. برای حفظ کنترل کیفیت آموزشی و رفع موانع تدریس برای قشر آموزگاران باید برنامه‌ریزی هدف‌مدار و مسله‌محور که رضایت و نیازهای معلمان را برطرف کند طراحی شده و سیاست‌های کلی در سیستم آموزشی در مورد این مسایل شکل گیرد.

A qualitative study of teachers' perceptions of barriers to effective education in rural areas

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر موانع موقعیتی و یا عوامل وابسته به فرهنگ است. این یافته با نتایج پژوهش‌های آدکولا و همکاران (۲۰۲۱)، آیتی و غلام پور (۱۳۹۸)، شاه محمدی و بهمنی (۱۳۹۹) مطابقت داشت. به عنوان مثال آدکولا و همکاران (۲۰۲۱) ادعان کرده‌اند دختران روستایی در قیاس با پسران روستایی با توجه به عوامل فرهنگی با موانع تحصیلی بیشتری مواجه‌اند. آیتی و غلام پور (۱۳۹۸) نشان دادند شرایط زمینه‌ای چون باورهای فرهنگی و شرایط دخیل چون ساختار متمرکز نظام آموزشی، عدم تناسب محتوای ارزشی با نیازهای محیطی و عدم تناسب برنامه زمانی مدرسه برای دانش‌آموزان روستایی همراه با فقر محیطی از عوامل موثر در کاهش تمایل دانش‌آموزان روستایی به ادامه تحصیل برشمرده می‌شوند. شاه محمدی و بهمنی (۱۳۹۹) نشان دادند زمینه‌های ارزشی و فرهنگی چون ضعف نظارت والدین، ارجح شمردن خانه‌داری دختران نسبت به تحصیل، تابوی وجود معلمان مرد و ترس از مخاطرات از عوامل مانع از ادامه تحصیل دانش‌آموزان‌اند. فرهنگ به عنوان نظام باوری یک جامعه به عنوان یک متغیر اثربخش از قدرت بالایی در بهبود روند‌های توسعه‌ای محسوب می‌گردد. فرهنگ روستا به دلیل تعاریف و محدودیت‌های خاص خود دستخوش تغییراتی از جمله رقابت بر سر پیشرفت، رخنه شهرنشینی مدرن بدون توجه به زیرساخت‌ها، نبود مجال کافی برای تضارب آرا و به وجود آمدن تعصبات سرسختانه در زمینه‌های مختلف می‌شود که آموزش و یادگیری نیز از این امر مستثنی نیست و گاهی تحصیل اثربخش به واسطه این عوامل دچار مشکل و مانع می‌گردد.

یافته بعدی پژوهش موانع و مشکلات اقتصادی است این یافته با نتیجه تحقیقات رسول نیا (۱۳۸۸)، آرابگوم و همکاران (۲۰۱۸)، آیتی و غلام پور (۱۳۹۸) مطابقت داشت. به عنوان مثال رسول نیا (۱۳۸۸) نشان داد بهره‌گیری از معلمان غیرهمجنس با دانش‌آموزان، سطح پایین اقتصادی خانواده‌ها، سطح پایین تحصیلی خانواده‌ها به عنوان موانع پوشش فراگیر تحصیلی در روستاها است. آرابگوم و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان داده‌اند عملکرد ضعیف دانش‌آموزان روستایی در قیاس با هم‌تایان شهری خود تحت تاثیر عوامل متعددی چون فقر، نابرابری‌های جنسیتی، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، موانع زبانی و دوری جغرافیایی قرار گرفته است. دسترسی به فرصت‌های آموزشی و داشتن اطمینان خاطر از برآورده شدن نیازهای بنادین پیش نیاز مهمی مثل اقتصاد را طلب می‌کند. افراد به هر مقدار ظرفیت‌های درآمدی و معیشتی مناسبی در اختیار داشته باشند می‌توانند به آموزش با کیفیت و مطلوب دست پیدا کنند. نتایج یافته‌های مورد نظر نشان می‌دهد تعارض مسائلی مثل تامین معاش خانواده، فقر، تورم و به عبارت بهتر تعارض کار - تحصیل مانع عمده بر سر راه دانش‌آموزان محصل در روستا می‌باشد و افراد در رسیدگی به اولویت‌ها و شناخت بهتر از موقعیت‌ها دچار سردرگمی می‌کنند. این پژوهش دارای محدودیت‌های بود از جمله: تحلیل موشکافانه و دقیق، عدم امکان مصاحبه‌های طولانی‌تر و عمیق‌تر با افراد شرکت‌کننده در پژوهش، امکان تعمیم نتایج و...

همچنین همسو با یافته‌های تحقیق پیشنهادهای ارائه می‌گردد: ۱) همسو با یافته‌های موانع زیرساختی تخصص‌بودجه‌های عملیاتی و نیازسنجی‌های واقعی و مرتبط از طریق سیاست‌گذاری‌های ارگان و وزارت خانه‌های دخیل امری اساسی به نظر می‌رسد ۲) همسو با یافته‌های موانع خانوادگی ضرورت ارتقای فرهنگ آموزش و کاهش نرخ بی‌سوادی افراد بزرگسال از طریق نهضت‌های سوادآموزی و مداخلات اثربخش روانشناختی در این امر مهم به نظر می‌رسد ۳) همسو با یافته‌های موانع درون‌شخصی ارتقای مهارت‌های زندگی، فرهنگ مراجعه به مشاور، تخصص منابع مورد نیاز جهت ارتقای سلامت روان و آموزش‌های عمومی در کاهش این موانع یاری‌دهنده است. ۴) همسو با یافته‌های مرتبط با موانع آموزگار ارتقای مهارت‌ها و ویژگی‌های آموزگاری وابسته به فرهنگ‌های مختلف، آموزش‌های ضمن خدمت مرتبط با موقعیت جغرافیایی، ارائه بسته‌های تشویقی برای معلمان روستا، تجهیز امکانات اسکان معلمان امری مهم به نظر می‌رسد ۵) همسو با یافته‌های موانع فرهنگی برگزاری مراسم و جلسات آموزشی برای روستائیان جهت جلوگیری از شکاف و رخنه فرهنگی نامطلوب و ارتقای ارزش‌های اصیل جامعه روستایی مهم به نظر می‌رسد ۶) و در آخر همسو با یافته‌های موانع اقتصادی توجه به کسب و کارهای کوچک، ارتقای اقتصاد روستا از طریق مهارت‌آموزی، ارائه بسته‌های معیشتی برای افراد ساکن روستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منابع

افدسی، ع.، زینال‌فام، ا. (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۵(۱۷)، ۱۱۳-۱۳۰.

- رسول نیا، خ. (۱۳۸۸). بررسی علل پایین بودن پوشش تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی مختلف استان آذربایجان غربی، گزارش طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.
- شاهمحمدی، ا.، بهمنی، م. (۱۳۹۹). واكاوای عوامل موثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد: مورد استان کردستان. *تدریس پژوهی*، ۸(۳)، ۱۷۱-۱۹۴.
- غلام پور، م.، آیتی، م. (۱۳۹۸). روایت پژوهی ترک تحصیل دانش‌آموز دختر روستایی. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۰(۳۰)، ۴۹-۷۰.
<https://dx.doi.org/10.30465/ws.2019.4837>
- فرضی‌زاده، ز.، طالب، م.، متوسلی، م. (۱۳۹۶). بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهشی کیفی). *فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت*. ۳۳(۱)، ۱۱۵-۱۳۴.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.10174133.1396.33.1.4.7>
- Åberg-Bengtsson, L. (2009). The Smaller the Better? A Review of Research on Small Rural Schools in Sweden. *International Journal of Educational Research*, 48(2), 100-108. <https://doi.org/10.1016/J.IJER.2009.02.007>
- Begum, H. A., Perveen, R., Chakma, E., Dewan, L., Afroze, R. S., & Tangen, D. (2019). The challenges of geographical inclusive education in rural Bangladesh. *International Journal of Inclusive Education*, 23(1), 7-222. <https://doi.org/10.1080/13603116.2018.1514729>
- Bernsen, N. R., Crandall, M. S., Leahy, J. E., & Biddle, C. (2022). How Far to Go? Community Influences on Youth Educational Aspirations in Rural, Resource-Dependent Places. *RSF: The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences*, 8(3), 189-207. DOI: <https://doi.org/10.7758/RSF.2022.8.3.08>
- Chauhan, A., & Kumar, S. A study on problems and challenges faced by girl students in higher education. *Philosophical Readings*, XIII(4), 130-135. <https://doi.org/10.5281/zenodo.5833619>
- Doll, B. (2013). Enhancing Resilience in Classrooms. In: Goldstein, S., Brooks, R. (eds) *Handbook of Resilience in Children*. Springer, Boston, MA. https://doi.org/10.1007/978-1-4614-3661-4_23
- Du Plessis, P., & Mestry, R. (2019). Teachers for rural schools—a challenge for South Africa. *South African Journal of Education*, 39 (1), 1-9 <https://doi.org/10.15700/saje.v39ns1a1774>
- Johnson, K. M., & Levitan, J. (2022). Rural indigenous students in Peruvian Urban higher education: interweaving ecological systems of coloniality, community, barriers, and opportunities. *Diaspora, Indigenous, and Minority Education*, 16(1), 21-42. <https://doi.org/10.1080/15595692.2021.1974383>
- Khuzwayo, N., & Taylor, M. (2018). Exploring the socio-ecological levels for prevention of sexual risk behaviours of the youth in uMgungundlovu District Municipality. *KwaZulu-Natal. African Journal of Primary Healthcare*, 10(1), 1-8. <https://doi.org/10.4102%2Fphcfm.v10i1.1590>
- Kormos, E., & Wisdom, K. (2021). Rural Schools and the Digital Divide: Technology in the Learning Experience. *Theory & Practice in Rural Education*, 11(1). 25-39 , <https://doi.org/10.3776/tpre.2021.v11n1p25-39>
- Mollel NS, Chong R (2017). Socio-cultural Constraints of Girls' Access to Education in Mtwara District, Tanzania. *Khazar Journal of Humanities and Social Sciences*. 20(3), 108-125 <https://doi.org/10.5782/2223-2621.2017.20.3.108>
- Morton, T. R., Ramirez, N. A., Meece, J. L., Demetriou, C., & Panter, A. T. (2018). Perceived barriers, anxieties, and fears in prospective college students from rural high schools. *High School Journal*, 101(3), 155-176. <https://doi.org/10.1353/hsj.2018.0008>
- Nairn, K., Higgins, J. (2014). Stay or Go? Reading Identity Through Young People's Lives in Rural Places. In: Wyn, J., Cahill, H. (eds) *Handbook of Children and Youth Studies*. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-4451-96-3_9-1
- Perkins, A., Clarke, J., Smith, A., Oberklaid, F., & Darling, S. (2021). Barriers and enablers faced by regional and rural schools in supporting student mental health: A mixed-methods systematic review. *Australian Journal of Rural Health*, 29(6), 835-849. <https://doi.org/10.1111/ajr.12794>
- Peterson, J. (2020). Rural Students: Breaking down Barriers for Small-Town Students. *Journal of College Admission*, 247(28), 30-33.
- Scott, D., & Louie, D. (2020). Reconsidering rural education in the light of Canada's Indigenous reality. In *Rural Teacher Education* (pp. 113-133). Springer, Singapore. http://dx.doi.org/10.1007/978-981-15-2560-5_5
- Swaminathan, A., Narayanan, M., Blossom, J., Venkataramanan, R., Saunik, S., Kim, R., & Subramanian, S. V. (2020). The state of school infrastructure in the assembly constituencies of rural India: analysis of 11 census indicators from pre-primary to higher education. *International journal of environmental research and public health*, 17(1), 296. <https://doi.org/10.3390/ijerph17010296>
- Westbrook, J., Shah, N., Durrani, N., Tikly, C., Khan, W., & Dunne, M. (2009). Becoming a teacher: Transitions from training to the classroom in the NWFP, Pakistan. *International Journal of Educational Development*, 29(4), 437-444. <https://doi.org/10.1016/J.IJEDUDEV.2008.12.001>



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی